■ یکی از اصول حاکم بر زندگی حضرت زهرا(س) این است که باید به یکدیگر خیر برسانیم. فاطمه زهرا(س) خیررسانی‌اش به حدی بود که غذای افطار خود و بچه‌هایش را داد به فقیر و یتیم و اسیر؛ «وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا». خیررسانی‌اش به حدی بود که بارها و بارها روی پا می‌ایستاد جواب مردم را می‌داد که مسائل شرعی‌شان حل شود. خیررسانی‌اش به حدی بود که لباس شب عروسی‌اش را به فقیر داد. خیررسانی‌اش به حدی بود که پرده خانه‌اش را باز کرد و به نیازمند داد

گفت‌وگوی «وطن امروز» با حجت‌الاسلام والمسلمین ماندگاری درباره اصول حاکم بر سیره اجتماعی و سیاسی حضرت فاطمه زهرا(س) مبتنی بر آیات قرآن مجید

الگوی زنانه هدایت جامعه

گروه اندیشه: بارزترین ویژگی اخلاق اجتماعی حضرت فاطمه(س)، حضور ایشان در عرصه‌های اجتماعی در راستای دفاع از حق است. این نحوه رفتار فاطمی معیار و سرمشق خوبی برای یک زن مسلمان درباره حضور اجتماعی و حاکی از آن است که اسلام نه با اصل حضور زنان در جامعه که با حضور آمیخته با خودنمایی و تبرج مخالف است. برای بررسی بیشتر اصول حاکم بر سیره فردی و اجتماعی دختر و پاره تن رسول اکرم(ص) به منظور الگوبرداری هر چه بیشتر جامعه، با حجت‌الاسلام‌والمسلمین محمدمهدی ماندگاری گفت‌وگو کردیم.

■ بارها از زبان بزرگان دین شنیده‌ایم دختر بزرگوار پیامبر اکرم(ص) باید برای زن و مرد امروز جامعه ما الگو و اسوه باشد. چه اصولی بر سیره رفتاری حضرت زهرا(س) حاکم است که می‌تواند امروز هم برای جامعه ما مفید و راهگشا باشد؟

امام زمان ارواحنا له الفدا فرموده‌اند: «اِنّ لی فی ابنه رسول‌الله اُسوةٌ حَسَنَةٌ»؛ برای من، مادرم فاطمه زهرا(س) الگوست. حتما برای مهدی‌یاوران هم فاطمه زهرا(س) سلام‌الله‌علیها باید الگو باشد.

به نظر بنده بر اساس آیه «تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ»، الگوی رفتاری حضرت بر ۵ اصل مبتنی است که در ادامه عرض خواهم کرد.

این ۵ اصل، اصول موفقیت است که در خانه حضرت فاطمه(س) حاکم بود. فاطمه زهرا(س) الگوی کاملی بود برای رعایت این ۵ اصل. هر جا ما در جامعه‌مان این ۵ اصل را رعایت کردیم موفق شدیم و هر جا رعایت نکردیم شکست خوردیم.

اصل اول؛ اگر می‌خواهید موفق شوید همه باید جمع شوید یعنی کار جمعی یاد بگیریم؛ باید امت شویم. امت که شدیم هم زورمان بیشتر است، هم سرعت‌مان، هم قوت‌مان و هم موفقیت‌مان. دو - سه مثال در این باره می‌زنم؛ در جامعه ایران ما متاسفانه کار جمعی خیلی طرفدار ندارد و همه می‌خواهند تنهایی کار کنند. ما در خانه هم باید یک امت باشیم. پدر، مادر و فرزندان یک امت کوچکند؛ اگر امت نشوند و جمع تشکیل ندهند کارهای خانه پیش نمی‌رود.

شاه با آن قدرت را چون که همه با هم بودیم سرنگون کردیم، دفاع‌مقدس به آن سختی را همه با هم بودیم که مدیریت کردیم، کربلا با ۲۰ میلیون زائر در اربعین چون که همه با هم هستیم آنقدر خوب مدیریت می‌شود؛ حتی یک نفر گرسنه نمی‌ماند، یک نفر بی‌جا نمی‌ماند، یک نفر زمین‌خورده نمی‌ماند. امام فرمودند اگر همه مسلمان‌ها با هم باشند و هر کدام‌شان یک سطل آب بریزند اسرائیلی وجود نخواهد داشت. وقتی همه با هم شویم مشکلات خیلی راحت حل می‌شود. اهداف هم خیلی راحت محقق می‌شود.

باید روحیه کار جمعی باشد. یک مثال دیگر بزنم. می‌دانید چرا مشکل ترافیک ما هیچ وقت حل نمی‌شود؟ چون همه می‌خواهند با ماشین‌های تک سرنشین بیایند بیرون؛ شما ببینید در کشورهایی که توانستند مشکل ترافیک‌شان را حل کنند روحیه کار جمعی دارند. چرا روحیه کار جمعی نداریم؟ چون اهل مدارا نیستیم. باید همدیگر را تحمل بکنیم و انعطاف داشته باشیم. در یک خانه ۵ نفره ۵ بار سفره ناهار پهن می‌شود؛ خیلی بد است. آنقدر روایت داریم که دور هم بنشینید غذا بخورید. یک نفره غذا خوردن مکروه است. اگر دور هم باشیم انس و الفت زیاد می‌شود. نماز جماعت با یک نماز فرادا فرق ثوابش خیلی زیاد است.

حضرت زهرا(س) بانی این بود خانه را دور هم جمع کند و از همین رو خواست امت را هم دور هم جمع کند ولی نتوانست. حضرت تلاش خود را کرد ولی مردم نخواستند دور هم جمع شوند.

هر جا از اول انقلاب به این اصل قرآنی عمل کردیم موفق شدیم. پس اصل اول این شد که همه با هم باشیم و روحیه کار جمعی داشته باشیم. لذا فاطمه زهرا(س) بر اساس این اصل مهم، ۴۰ روز رفت در خانه مهاجر و انصار تا برای امیرالمومنین(ع) یارگیری کند. امام صادق فرمودند یک نفر به مادر ما جواب مثبت نداد و این خیلی دردناک است.

برای مثال در یک محل اگر کسی بیمار شد همه اهل محل بنا بگذارند کمکش کنند. یک نفر می‌خواهد دختر و پسر عروس و داماد کند همه بروند کمک کنند. من بارها گفته‌ام یک میز کوچک را یک نفری آدم بخواهد بردارد اذیت می‌شود ولی اگر یک میز بزرگ را ۱۰ نفر بیایند کمک کنند، بار خیلی سبک می‌شود. مساله ترافیک، مساله اشتغال، مساله اقتصاد و مسائل مختلف در مملکت ما با همین با هم بودن حل می‌شود.

اصل دوم از «تعاونو علی البر والتقوا» استنباط می‌شود که باید امام داشته باشیم. امام خانه کیست؟ پدر خانه.

امیرالمومنین(ع) هم از باب شوهر بودن ولی خانه فاطمه بود و هم از باب امام معصوم بودن ولی فاطمه بود، لذا تمام تلاش فاطمه این بود که امیرالمومنین(ع) به عنوان ولی خانه حفظ شود.

■ حفظ ولی و امام جامعه به چه معناست؟ جامعه اسلامی باید چه اقداماتی انجام دهد تا بتواند ولی جامعه را حفظ و تقویت کند؟

امیرالمومنین(ع) به مردم فرمودند بیایید برویم جبهه. گفتند هوا سرد است بگذار هوا کمی گرم شود. امیرالمومنین(ع) فرمودند هوا گرم شده بیایید برویم جبهه با دشمنان جنگ کنیم، گفتند آقا هوا خیلی گرم است. حضرت فرمودند: «لا رأی لمن لا یُطاع». امام در اوامر و دستوراتش حفظ می‌شود. اگر امت و جامعه اسلامی به حرف ولی جامعه گوش دادند و دستورات و توصیه‌های او را عمل کردند پیشرفت می‌کنند.

در ۴۰ سال انقلاب ما، هر وقت مسؤولان و مردم درست به حرف خدا، پیغمبر و ائمه و ولایت فقیه گوش کردند موفق بودیم. هر جا هر کسی خواسته به اجتهاد خودش عمل یا تکروی کند یا خودش هرچه به ذهنش رسید به آن عمل بکند ضربه خورده‌ایم. اسلام دستور می‌دهد همسر و مادر خانه به حرف پدر عمل کنند. البته پدر هم نباید از جایگاه خودش سوءاستفاده بکند، پدر حتما باید در ولایتش در خانه محبت هم داشته باشد، عدالت هم داشته باشد، گذشت و سخاوت هم داشته باشد تا جایگاهش برای همه پذیرش داشته باشد.

فاطمه زهرا(س) این امامت را خیلی حفظ کرد. شاید بشود گفت در بین معصومان کسی که در باب امامت و ولایت با تمام وجود ایستاد و بیشترین حرف را زد فاطمه زهرا(س) و پس از ایشان امام رضا(ع) بود.

فاطمه زهرا(س) علی(ع) را با تمام وجود حمایت کرد؛ امام جامعه و امام امت باید حفظ و حمایت شود. فاطمه زهرا(س) با بیانش، با مالش، با جسمش، با وصیتش و با تمام وجود از علی ابن ابیطالب سلام‌الله علیه دفاع کرد.

حفظ امام به اطاعت کردن از او است. اگر دور امام حسین(ع) بچرخیم ولی به حرف‌های ایشان گوش نکنیم امامتش را حفظ نکرده‌ایم.

یاران امام حسین(ع) ۷۲ نفر بودند ولی امام‌شان را حفظ کردند و تا زمانی که یاران زنده بودند امام‌شان صدمه ندید و در تاریخ جاودانه شدند. یک امت ۷۲ نفره بودند. در مباهله یک امت ۵ نفره بر تمام بزرگان مسیحیان پیروز شدند. در انقلاب اسلامی یک امت ۳۰ میلیون نفره پیروز شدیم. در دفاع‌مقدس ۳۶ میلیون نفر بودیم و پیروز شدیم. امروز که ۸۰ میلیون هستیم اگر تمام دنیا مقابل ما بایستند، اگر ما امت شویم پیروز می‌شویم؛ شک نکنید، این وعده خداست.

اصل سوم این است که وحدت داشته باشیم و متفرق نباشیم؛ «وأعتَصِموا بحبل‌الله جمیعاً ولا تفرقوا». امام صادق فرمودند: «نحن والله حبل‌الله»؛ این حبل‌الله که خدا فرموده ما اهل‌بیت هستیم. تفرقه بینداز حکومت کن مال ابلیس است. انگلستان هم چون نوچه ابلیس است از او پیروی می‌کند؛ تفرقه سیاسی، تفرقه مذهبی، تفرقه قومیتی. هرجا با هم بودیم و وحدت داشتیم دشمن عقب‌نشینی کرده است.

در اعتراض‌های مختلف مردم در این سال‌ها، دشمن تمام تلاش خود را کرد تا مردم را به جان هم بیندازد ولی مردم فهیم ما تا احساس کردند دشمن می‌خواهد از این اعتراضات سوءاستفاده کند صف‌شان را از این فتنه‌گرها جدا کردند؛ فاطمه زهرا(س) نگذاشت در میان امت اسلام تفرقه شود.

اصل چهارم این است که باید به یکدیگر خیر برسانیم. فاطمه زهرا(س) خیررسانی‌اش به حدی بود که غذای افطار خود و بچه‌هایش را داد به فقیر و یتیم و اسیر؛ «وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا».

خیررسانی‌اش به حدی بود که بارها و بارها روی پا می‌ایستاد جواب مردم را می‌داد که مسائل شرعی‌شان حل شود. خیررسانی‌اش به حدی بود که لباس شب عروسی‌اش را به فقیر داد. خیررسانی‌اش به حدی بود که پرده خانه‌اش را باز کرد و به نیازمند داد.

■ این روایاتی که در باب ازخودگذشتگی‌های حضرت زهرا(س) می‌شنویم این مساله را در ذهن مردم به وجود می‌آورد که ما نمی‌توانیم مثل حضرت زهرا(س) به این میزان ایثار داشته باشیم. پس حضرت زهرا(س) نمی‌تواند الگوی ما باشد؛ پاسخ شما چیست؟

ما نمی‌گوییم عین حضرت زهرا(س) برویم همه زندگی‌مان را به نیازمندان بدهیم، بلکه می‌گوییم اضافه بر نیازمان را بدهیم. اگر مردم یک بخشی از اموال‌شان را به فقرا می‌دادند امروز باید حدود ۲۰ میلیون فقیر در جمهوری اسلامی می‌داشتیم؟ عدالت را برقرار نکردیم که پولدارها روزبه‌روز پولدارتر شدند و خانه و ویلاهای چند میلیاردی و ماشین‌های آنچنانی دارند. یکی آنقدر دارد که نمی‌داند چطور مصرف کند و یکی آنقدر بی‌چیز که دارد از بین می‌رود. این فاصله طبقاتی است. این اصلی است در قرآن که ما به آن عمل نکردیم.

اهل‌بیت که علمدار ایثار و خیررسانی به دیگران بودند، در عالم قیامت و محشر داراترین موجوداتند. هرکس خیر نرساند خودش فقیر است. یک نفر از در خانه حضرت زهرا(س) ناامید نرفت. اسیر در آیه «وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا» اصلا مسلمان نیست و مشرک است ولی باز هم از در خانه فاطمه زهرا(س) ناامید نشد.

اصل پنجم رعایت تقواست. حدود الهی باید رعایت شود. فاطمه زهرا(س) در برابر کور هم رو می‌گرفت. پیامبر به ایشان فرمود: فاطمه جان کور که چشم ندارد شما را ببیند. گفت من که چشم دارم؛ حد الهی باید رعایت شود.

در مجموع می‌شود گفت فاطمه زهرا(س) مدیریت خانه و جامعه را به ما یاد می‌دهد.

فاطمه زهرا(س) در راه حفظ امامت خیلی تلاش کرد. شاید بشود گفت در بین معصومان کسی که در باب امامت و ولایت با تمام وجود ایستاد و بیشترین حرف را زد فاطمه زهرا(س) و پس از ایشان امام رضا(ع) بود. فاطمه زهرا(س) علی(ع) را با تمام وجود حمایت کرد؛ فاطمه زهرا(س) با بیانش، با مالش، با جسمش، با وصیتش و با تمام وجود از علی‌بن ابیطالب سلام‌الله علیه دفاع کرد

پاره تن نبی، سپر بلای ولایت

دکتر محمدرضا جباری*: بارزترین ویژگی اخلاق اجتماعی فاطمه زهرا(س) حضور ایشان در عرصه‌های اجتماعی در راستای دفاع از حق بود. این نحوه رفتار فاطمی معیار و سرمشق خوبی برای یک زن مسلمان درباره حضور اجتماعی است و از آن حکایت دارد که اسلام نه با اصل حضور زنان در جامعه که با حضور آمیخته با خودنمایی و تبرج مخالف است.

از نمونه‌های شایان ذکر در این باره حضور ایشان در جریان مباهله است که آن حضرت به همراه پدر، همسر و دو فرزندش در صحنه مباهله حضور یافت تا سندی بر حقانیت اسلام باشد.

مباهله یعنی طلب لعنت و عذاب الهی برای کسی که بر طریق باطل خود اصرار دارد. هنگامی که نصارای نجران به مدینه آمدند و احتجاجات رسول خدا در برابر تعصبات باطل آنان کارساز نیفتاد، حضرت آنها را به مباهله دعوت کردند تا عزیزترین کسان خود را در معرض لعنت و عذاب الهی قرار دهند. آن روز صحنه امتحان عجیبی برای فاطمه(س) بود، زیرا نه تنها خودش که عزیزترین نزدیکانش یعنی پدرش رسول خدا، همسرش علی (ع) و دو فرزند دلبندش حسن و حسین در معرض این آزمایش الهی بودند. فاطمه(س) با ایمان راسخ به حقانیت مسیرش دعوت پدر را لبیک گفت و به دنبال رسول خدا از خانه بیرون آمد، در حالی که دو فرزند خردسالش را نیز به همراه داشت. نصارای نجران وقتی آن چهره‌های پاک و معصوم را دیدند، یقین کردند که در صورت انجام مباهله، عذاب الهی جز بر خودشان نازل نخواهد شد و از مباهله منصرف گشته به پرداخت جزیه راضی شدند. در این جریان حضور پاک و معصومانه فاطمه(س) نقشی اساسی در اثبات حقانیت دعوت رسول خدا داشت.

نمونه مهم دیگر حضور فعال فاطمه(س) در صحنه حوادث پس از رحلت رسول خدا است. پس از غصب خلافت و به دنبال آن غصب فدک، فاطمه(س) در اقدامی آمیخته با حکمت و شجاعت و با حفظ عفاف و حجاب، در حالی که پرده‌ای میان او و مردان حائل بود به ایراد خطابه تاریخی خود پرداخت.

طبعا یکی از آثار دوستی و دشمنی در راه خدا عدالت‌گرایی و ظلم‌ستیزی است، بر این اساس انسان عدالت‌گرا و ظلم‌ستیز همواره طرفدار فکر، مکتب، حزب و گروهی است که عدالت‌گر و ظلم‌ستیز باشد. در سخنان و سیره فاطمی، شواهد بسیاری بر وجود این خصلت در آن حضرت در کامل‌ترین شکل و مرتبه به چشم می‌خورد.

از جمله روایات آن حضرت درباره ظلم و ظالمان روایتی از رسول خدا(ص) است که فرمود:

«هیچگاه ۲ گروه ظالم با یکدیگر به ستیز برنمی‌خیزند جز آنکه خداوند از آنان دوری می‌گزیند و برای خدا اهمیتی ندارد کدام پیروز شوند و هیچگاه ۲ گروه ظالم به مقابل هم در نمی‌آیند جز آنکه بدبختی و بلا متوجه ظالم‌ترین‌شان می‌شود».

در سلوک اجتماعی حضرت فاطمه(س)، نمونه‌های بسیاری از ظلم‌ستیزی و عدالت‌گرایی به چشم می‌خورد. این رفتارها گاه در سطح محدود و جزئی و گاه در سطح کلان درگیری با حاکمیت سیاسی بروز کرده است.

در سطح جزئی می‌توان به این روایت منسوب به امام حسن عسکری (ع) استناد کرد.

روزی ۲ زن نزد فاطمه آمدند و درباره موضوع مورد اختلاف‌شان او را به داوری برگزیدند. آن حضرت یکی از آن ۲ را نسبت به دیگری ظالم دید و به یاری زن مظلوم شتافت و با یاری فاطمه، آن زن توانست بر دیگری غالب شود از این رو بسیار شاد شد. فاطمه(س) که شادی او را دید، اظهار داشت: شادی ملائکه به واسطه پیروزی و غلبه تو بر او بسیار بیشتر از شادی توست و حزن و اندوه شیطان و یارانش نیز از اندوه آن زن بیشتر است. پس از این جریان خداوند به ملائکه فرمود: «برای فاطمه به واسطه این کار هزاران برابر اجر قرار دهید و این را نسبت به هرکس که چنین کند، به صورت یک سنت مقرر کنید».

در عرصه سیاسی نیز مواضع آن حضرت همواره در راستای تقویت جبهه حق و تضعیف جبهه ظالم بود. چگونگی رفتار آن حضرت در دفاع از پدرش در مکه در برابر مشرکان و چگونگی رفتارش در برابر ام هانی دختر ابیطالب (خواهر شوهرش) که در جریان فتح مکه، برخی مشرکان را پناه داده بود بسیار قابل توجه است اما مهم‌ترین نمود ظلم‌ستیزی آن حضرت پس از رحلت رسول خدا و در برابر بزرگ‌ترین ظلم تاریخ بروز یافت و وی با تمام وجود به عرصه دفاع از بزرگ‌ترین مظلوم تاریخ یعنی امیر مؤمنان علی(ع) برخاست و از تمام امکانات و مسیرهای ممکن بهره جست. در آغازین روزهای پس از فاجعه سقیفه تمام تلاش خویش را برای تبیین حق و بیان سفارش‌های نبوی درباره حقوق اهل بیت به کار بست؛ از این رو شب‌ها به همراه همسر و دو فرزندش به در خانه مهاجران و انصار می‌رفت تا حق غصب‌شده‌شان را به آنان یادآوری کند و در دیدارهای خصوصی با افراد نیز جریان غدیر و حق ولایت و امامت و وصایت علی را یادآور می‌شد. در یکی از روزهای بعد از رحلت رسول خدا و غصب خلافت هنگامی که فاطمه طبق روال آن روزها به زیارت قبر حمزه و دیگر شهدای احد رفته بود و برای از دست دادن پیامبر و مظلومیت اهل بیت می‌گریست، یکی از مسلمانان به نام محمودبن‌لبید از فاطمه درباره تصریح پیامبر قبل از وفاتش درباره وصایت امیرالمؤمنین پرسید و فاطمه(س) پاسخ داد: «شگفتا! آیا روز غدیرخم را فراموش کرده‌اید؟

محمود بن لبید گفت آن واقعه رخ داده است اما می‌خواهم آنچه را رسول خدا به شکل محرمانه به شما گفته است بدانم.

فاطمه در پاسخ فرمود: «خدا را گواه بر راستی سخنم می‌گیرم. از پدرم شنیدم که فرمود علی بهترین کسی است که در میان شما به عنوان جانشین خود قرار می‌دهم و او امام و خلیفه پس از من است و بعد از او، ۲ سبطم و ۹ نفر از نسل حسین امامان نیکوسیرت هستند که اگر از ایشان پیروی کنید آنان را هدایتگر و هدایت‌شده می‌یابید و اگر با آنان مخالفت کنید تا روز قیامت در اختلاف خواهید بود».

هنگامی که ام‌سلمه به عیادتش آمده بود و حال او را جویا شد، در پاسخ وی به غم و اندوه فراوانش به علت فقدان پیامبر و ظلم به وصی او و عهده‌داری خلافت به دست کسی که خلافتش به‌طور نامشروع فراهم شده و نیز کینه‌هایی که موجب چنین ظلمی شده بود اشاره کرد. آن حضرت در دیدار با عایشه (دختر طلحه) نیز شبیه این سخنان را مطرح کرد.

چند روز پس از رحلت پیامبر و جریان سقیفه، غاصبان خلافت دست به غصب فدک زدند. این، امر زمینه‌ای شد تا صدیقه کبری با حضور در مسجد و در جمع مهاجران و انصار و سردمداران خلافت خطبه معروف فدکیه را ایراد کند که جدا از زیبایی‌های ادبی، مشحون از معارف ناب برآمده از روحی متعالی و ظلم‌ستیز است و تاکنون شروح زیادی در تبیین فرازهای بلند این خطبه نگاشته شده است. پس از بیماری نیز هنگامی که گروهی از زنان مهاجر و انصار به عیادت او آمدند آن حضرت ضمن خطبه‌ای غرا به تبیین حقایق و مصادیق ظالم و مظلوم پرداخت.

پس از این روشنگری‌ها عده‌ای از مهاجران و انصار نزد وی آمدند و اظهار پشیمانی و عذرخواهی کردند که اگر پیش از بیعت با ابی‌بکر، امیرمؤمنان(ع) یادآور وصایتش شده بود، با کسی جز او بیعت نمی‌کردند اما فاطمه این بهانه‌تراشی‌ها را نپذیرفت و آنان را مقصر دانست.

سرانجام دستگاه خلافت چاره‌ای جز حمله به بیت فاطمه(س) و گرفتن بیعت اجباری از امیرالمؤمنین ندید و با هجمه به خانه‌ای که محل نزول فرشته وحی بود، تلاش کردند علی(ع) را برای بیعت به مسجد ببرند.

در اینجا صدیقه کبری در راه دفاع از ولی خدا و وصی رسول خدا شجاعانه به مقابله برخاست و تلاش کرد مانع بردن علی(ع) به مسجد شود که با فرمان خلیفه دوم مورد ضرب و شتم قرار گرفت و فرزندش سقط و در اثر این لطمه‌ها و جراحت‌ها مدت کوتاهی پس از این حادثه شوم به شهادت رسید اما تا ابد ننگ ستم و ستم‌پیشگی را بر پیشانی غاصبان خلافت رسم کرد تا در پهنه تاریخ فاطمه و همسرش مصداق مظلومیت ظلم‌ستیز بمانند و دشمنان آنها - در هر زمان و مکانی - مصداق ظلم و ظالم باشند. ایشان در روزهای آخر عمر با رد عذرخواهی ظاهری خلیفه اول و دوم و سپس با وصیت سیاسی‌اش ضربه نهایی را بر پیکره خط نفاق و ظلم وارد ساخت تا در آینده تاریخ، راه روشنی فراروی حق‌جویان و حقیقت‌پویان فراهم آید. آن حضرت در این وصیت‌نامه، حضور دشمنان در تشییع جنازه‌اش را منع و به تجهیز و دفن شبانه پیکرش سفارش کرد.

***پژوهشگر تاریخ اسلام**